GettyImages

ریشه‌های تاریخی و اهداف راهبردی گزارش اخیر بی‌بی‌سی علیه ایران بررسی شد

تقلب و تقلای پادشاهان عریان لیبرال دموکراسی

یادداشت

شهاب اسفندیاری
عضو شورای عالی سینما و رئیس دانشکده صداوسیما

اقدام اخیر بی‌بی‌سی جهانی در انتشار گزارشی به اصطلاح «تحقیقی» در مورد مرگ دختری که همزمان با وقایع پاییز ۱۴۰۱ جان باخت، پرسش‌های جدی در خصوص میزان تعهد این رسانه به معیارها و شاخص‌های حرفه‌ای و اخلاقی اطلاع‌رسانی در اذهان ایجاد کرده است. خطاهای فاحش، اطلاعات کذب و مطالب جعلی چنان در متن منتشر شده اخیر توسط بی‌بی‌سی عیان و آشکار است که قابل انکار نیست. چرا بی‌بی‌سی چنین حیثیت و اعتبار خود را به باد فنا داده است؟ آیا ضوابط و مقررات حرفه‌ای بی‌بی‌سی تغییر کرده است؟ آیا در گذشته چنین عملکردی در کارنامه بی‌بی‌سی مشاهده شده است؟ دلیل اینکه بی‌بی‌سی جهانی - و نه بخش فارسی بی‌بی‌سی - برای انتشار چنین گزارشی انتخاب شده، چیست؟ مخاطبان اصلی این گزارش چه کسانی بودند و چه پیامی قرار بود به آنها منتقل شود؟
در پاسخ به این پرسش‌ها چند نکته قابل ذکر است که با توجه به مجال این یادداشت تلاش می‌شود اجمالاً به آنها اشاره شود.

۱ سازمان رسانه‌ای بی‌بی‌سی را نباید صرفاً با سرویس جهانی آن اشتباه گرفت. گاهی در ایران حتی بخش فارسی بی‌بی‌سی را که جزو کوچکی از سرویس جهانی بی‌بی‌سی است با کل سازمان بی‌بی‌سی اشتباه می‌گیرند. سازمان بی‌بی‌سی با حدود ۲۰ هزار کارمند و حدود ۵ میلیارد پوند بودجه سالانه یک سازمان عظیم رسانه‌ای است که بخش عمده نیروی انسانی و بودجه آن معطوف به تولیدات و شبکه‌های داخلی (ملی و محلی) است. تولید برنامه و پخش خبر برای مخاطبان داخلی تحت ضوابط و مقررات بسیار شدیدی است و این سازمان به گونه‌ای سیاستگذاری و تنظیم‌گری می‌شود که بین احزاب سیاسی اصلی متهم به سوگیری و جانبداری نشود. هرچند احزاب و گروه‌های دیگر همواره بی‌بی‌سی را به تبعیت از «طبقه حاکم» و «نظام دوحزبی مستقر» متهم کرده و شواهد زیادی هم دارند. بودجه این سازمان از محل عوارض اجباری دریافت شده از مردم تأمین می‌شود. علاوه بر نهاد تنظیم‌گر «آفکام» که بر همه رسانه‌ها در انگلستان نظارت می‌کند، هیأت امنای بی‌بی‌سی که به پیشنهاد دولت و با حکم ملکه یا پادشاه انگلستان منصوب می‌شوند نظارت عالیه بر عملکرد آن را برعهده دارند و رئیس آن را تعیین می‌کنند. وزیر فرهنگ انگلستان و کمیسیون فرهنگی پارلمان نیز در تصویب بودجه سالانه بی‌بی‌سی و نظارت بر عملکرد آن دخیل هستند. بدین ترتیب عملکرد بی‌بی‌سی در داخل این کشور بشدت تحت نظارت و کنترل نهادهای مختلف حاکمیت است و آن تصوری که از رعایت ضوابط حرفه‌ای و بی‌طرفی در اذهان وجود دارد عمدتاً به دلیل سازکارهای عملکرد این سازمان در داخل انگلستان است.

۲ سرویس جهانی بی‌بی‌سی اما به کلی داستان دیگری دارد. این سرویس که در ابتدای تأسیس «سرویس امپراطوری» نام داشت صراحتاً مأموریتی در خدمت امپراطوری بریتانیا خصوصاً در کشورهای مستعمره یا مشترک المنافع به زبان انگلیسی و به ده‌ها زبان دیگر داشت. بودجه این سرویس تا چند سال قبل مستقیماً توسط وزارت امور خارجه انگلستان تأمین و پرداخت می‌شد که چندی قبل برای رفع اتهام «مهره دولت» بودن خبرنگاران آن، منبع تأمین بودجه سرویس جهانی را هم از همان عوارض عمومی قرار دادند که البته در عمل تفاوتی نداشت. با توجه به اینکه رئیس سازمان جاسوسی خارجی انگلستان (MI6) هم توسط وزیر امور خارجه تعیین می‌شود، در طول تاریخ همکاری و هماهنگی نزدیکی میان وزارت امور خارجه, MI6 و سرویس جهانی بی‌بی‌سی برقرار بوده است. البته در سرویس جهانی هم برای رعایت کیفیت اطلاع‌رسانی و خبر طبعاً ضوابطی لااقل روی کاغذ وجود داشت و ادعای «استقلال تحریریه» مطرح بوده است. اما تاریخ سرویس جهانی بی‌بی‌سی آکنده از مصادیق و نمونه‌های مختلفی است که دخالت مستقیم و اعمال نظر صریح دولت انگلستان در تعیین خط مشی‌ها و حتی محورهای تبلیغی و خبری در زمان‌ها و موقعیت‌های خاص سیاسی و دیپلماتیک را آشکار می‌کند. در این خصوص چند سال قبل تحقیق جامعی تحت عنوان «مهاجران و دیپلماسی»[۱] با مدیریت ماری جیلپسی و آلبان وب انجام شد که عملکرد سرویس جهانی را طی یک دوره ۸۰ ساله (از ۱۹۳۲ تا ۲۰۱۲) مورد بررسی قرار داد. بخشی از این تحقیق را آنابل سربرنی - استاد سابق رسانه در دانشگاه سواز لندن - و معصومه طرفه - از پژوهشگران و کارکنان سابق بی‌بی‌سی - در مورد بخش فارسی سرویس جهانی بی‌بی‌سی انجام دادند. نسخه کامل پژوهش آنها در سال ۲۰۱۴ در انگلستان در قالب کتابی مستقل منتشر شد که اخیراً با عنوان «بی‌بی‌سی فارسی و منافع انگلیس در ایران» ترجمه و منتشر شده است. نویسندگان این کتاب ادعا دارند که تلاش کرده‌اند از موضعی آکادمیک و بی‌طرف به عملکرد بی‌بی‌سی فارسی در پنج دوره مهم از تاریخ این رسانه - سقوط رضاشاه، ملی شدن صنعت نفت، انقلاب اسلامی، جنگ افغانستان و وقایع ۱۳۸۸ - بپردازند. آنها با استفاده از اسناد دولتی تازه انتشار یافته در انگلستان و نیز مصاحبه با برخی کارمندان بی‌بی‌سی فارسی و برخی دیپلمات‌های سابق این کشور تلاش می‌کنند به این پرسش بپردازند که تا چه اندازه بی‌بی‌سی فارسی در عملکرد خود مستقل بوده و چقدر تحت تأثیر سیاست‌های دولت و وزارت امور خارجه انگلستان بوده است؛ پرسشی که شاید پاسخ آن برای بسیاری واضح و بدیهی باشد اما مستنداتی که آنها در این کتاب ارائه می‌کنند جای هرگونه تردیدی باقی نمی‌گذارد.

۳ اسناد و مدارکی که در این کتاب در خصوص عملکرد بی‌بی‌سی فارسی در مقطع نهضت ملی شدن صنعت نفت ارائه شده حقیقتاً تکان‌دهنده است. نه از این جهت که تا پیش از نقش این رسانه در تأمین منافع انگلستان بی‌اطلاع بودیم بلکه از این جهت که محورهای تبلیغی که در آن زمان به دستور مقامات دولتی و دیپلمات‌های انگلستان به بی‌بی‌سی فارسی جهت تحریف حقایق و نشر اکاذیب ابلاغ می‌شد، بسیار شبیه محورهای تبلیغی است که در سال‌های اخیر از بی‌بی‌سی فارسی شاهد بوده‌ایم.
به عنوان مثال در آن سال‌ها به بی‌بی‌سی فارسی ابلاغ شده بود که به محمد مصدق به عنوان فردی لجوج و سازش‌ناپذیر حمله کنند که حاضر نشده پیشنهادهای خوب انگلیس و امریکا برای توافق در مورد نفت را بپذیرد، منافع ایران را به خطر انداخته و اقتصاد ایران را با بحران مواجه کرده و چهره ایران را در مجامع بین‌المللی تخریب کرده است. این دقیقاً شبیه خط تبلیغی است که رسانه‌های غربی و بخش‌های فارسی آنها در جریان مذاکرات هسته‌ای علیه ایران به راه می‌انداختند.
پس از کودتای ۲۸ مرداد نیز دستورالعملی به بی‌بی‌سی فارسی داده می‌شود که چند محور مهم داشته است: اینکه القا شود انگلستان و بی‌بی‌سی از وقوع این کودتا اطلاع نداشته‌اند؛ اینکه از لفظ «کودتا» برای این واقعه استفاده نشود و به عنوان «قیام خودجوش مردم ایران» معرفی شود؛ اینکه القا شود شوروی و حزب توده دنبال کودتا در ایران بوده‌اند که با این قیام ناکام مانده‌اند؛ و اینکه ایران برای اقتصاد بحران‌زده خود نیازمند تداوم قرارداد نفتی با انگلستان است و ملی شدن این صنعت به ضرر ایران است.
عجیب اینکه بعد از ۷۰ سال هنوز برخی مدعیان دانش و روشنفکری همچنان همان خط تبلیغ بی‌بی‌سی فارسی علیه ملی شدن صنعت نفت را تکرار می‌کنند و آن را به صنعت هسته‌ای هم تعمیم می‌دهند.

۴ پروفسور ارواند آبراهامیان در نقدی که بر کتاب سربرنی و طرفه در مجله علمی «مطالعات ایران»[۲] منتشر کرده تأکید می‌کند که در زمان ملی شدن صنعت نفت اساساً در سرویس جهانی بی‌بی‌سی ادعایی مبنی بر «گزارش عینی و بی‌طرفانه» وجود نداشت که پرسش آنها محل بحث باشد. او اضافه می‌کند که چه بسا جرج اورول نویسنده کتاب ۱۹۸۴ ایده «وزارت حقیقت» را از ساختمان سرویس جهانی بی‌بی‌سی در پرتلند پلیس لندن گرفته باشد، چرا که زمانی در همین ساختمان در بخش سرویس هند مشغول به کار بود. به عبارت دیگر دروغ گفتن، جعل کردن، تهی کردن واژه‌ها از معنا و واژگون نمایاندن واقعیت‌ها در «وزارت حقیقت» - آنگونه که در رمان ۱۹۸۴ به تصویر کشده شده - مبتنی بر تصویر ذهنی اورول از سازمان و عملکرد سرویس جهانی بی‌بی‌سی بود.
بدین ترتیب قبل از آنکه «فیک‌نیوز» (اخبار جعلی) و «دیس اینفو» (کژآگاهی) در عصر «رسانه‌های نوین» و دوران «پسا - حقیقت» در قرن ۲۱ سکه مباحث روز اجتماعی و سیاسی شود، سرویس جهانی بی‌بی‌سی در خدمت به منافع امپراطوری ملکه مشغول تولید و نشر اخبار جعلی و کژآگاهی بود. به تعبیر پروفسور حمید دباشی اساساً «بی‌بی‌سی مادر همه اخبار جعلی بود»[۳].

۵ یک نکته قابل توجه اینکه در زمان نهضت ملی شدن صنعت نفت، برخی کارکنان ایرانی بی‌بی‌سی فارسی اعتصاب کردند و حاضر نشدند در تولید و پخش اخبار جعلی و دروغ علیه مصدق و کشور خود همکاری کنند و بی‌بی‌سی ناچار شد حتی برای گویندگی اخبار از انگلیسی‌هایی استفاده کند که فارسی بلد بودند اما با لهجه غلیظ انگلیسی سخن می‌گفتند؛ همچنین از خبرنگارانی گمنام و ناشناخته برای گزارش از ایران استفاده می‌کردند.
آبراهامیان در نقد خود بر کتاب سربرنی و طرفه یادآوری می‌کند زمانی که سازمان بی‌بی‌سی می‌خواست یک استاد متخصص در امور ایران به نام پروفسور اِلول-ساتن[۴] را برای پوشش وقایع نهضت ملی شدن صنعت نفت به ایران اعزام کند، سفارت انگلستان در تهران و وزارت امور خارجه مخالفت کردند و مانع این سفر شدند چرا که او را فردی «ضد استعمار» می‌دانستند که ممکن است گزارش‌های مثبتی نسبت به نهضت ملی شدن نفت تولید و منتشر کند.
در گزارش اخیر سرویس جهانی بی‌بی‌سی علیه ایران هم یک نکته قابل توجه، اسامی تقریباً ناشناس نویسندگان گزارش بود. یکی از نویسندگان جوانی است که در سال‌های اخیر در بخش تحقیقات بی‌بی‌سی مشغول شده و دو نفر دیگر نام‌های جعلی یا مستعار هستند و هیچ سابقه روزنامه‌نگاری از آنها موجود نیست. واقعاً چرا بی‌بی‌سی برای گزارشی با این درجه از اهمیت که ساعت‌ها تیتر اصلی صفحه اینترنتی آن بود، از گزارشگران معروف و باسابقه خود که سال‌ها در ایران یا غرب آسیا کار کرده‌اند، استفاده نکرد؟ به احتمال زیاد به این دلیل که آن خبرنگاران حاضر نیستند اعتبار حرفه‌ای خود را برای انتشار گزارش‌های جعلی و بی‌پایه و اساس هزینه کنند. در وقایع ۱۴۰۱ ایران نیز روزنامه گاردین انگلستان سلسله گزارش‌هایی بشدت هیجانی و احساسی علیه ایران منتشر کرد که آکنده از ادعاهای تأیید نشده از افرادی مجهول‌الهویه درباره تعرض و تجاوز جنسی بود. نویسنده این گزارش‌ها خانمی جوان به نام «دیپا پارنت»[۵] بود که هیچ سابقه و تخصصی در امور ایران نداشت و آخرین فعالیت روزنامه‌نگاری‌اش در نشریه یک بنگاه معاملات ملکی در هندوستان بود.
او به همراه «غنچه حبیبی آزاد» که شاغل در شبکه سلطنت‌طلب «من و تو» بود، چندین گزارش علیه ایران در گاردین منتشر کردند. گاردین برخلاف ضوابط و مقررات حرفه‌ای هویت سیاسی و وابستگی مالی حبیبی آزاد را از خوانندگان خود پنهان کرد و او را به عنوان خبرنگار مستقل معرفی کرد. همان‌طور که چند سال قبل در کتابی با عنوان «گزارش خاورمیانه»[۶] که در انگلستان منتشر شد اشاره کردم، در اغلب گزارش‌های ضد ایران در رسانه‌های غربی عناصر اپوزیسیون سلطنت‌طلب، منافقین و سایر گروهک‌ها نقش کلیدی ایفا می‌کنند.
مکس بلومنتال، خبرنگار تحقیقی مستقل هم چند سال قبل در گزارشی نشان داده بود که چگونه رسانه‌هایی مانند گاردین و بی‌بی‌سی با استخدام خبرنگاران بی‌نام و نشان و فاقد سابقه حرفه‌ای، در هماهنگی با سرویس‌های امنیتی برای تولید گزارش‌ها و اخبار جعلی علیه دولت‌های مستقل مانند نیکاراگوئه اقدام می‌کنند.[۷]

۶ در پاسخ به این سؤال که چرا بی‌بی‌سی این گزارش را در سرویس جهانی خود و نه صرفاً بخش فارسی منتشر کرد، باید گفت که هدف این پروژه سیاسی و امنیتی قطعاً در سطح بین‌المللی تعریف شده است و نه صرفاً فضای داخلی ایران. به نظر می‌رسد تمرکز بر تخریب سپاه پاسداران در این گزارش واکنش مستقیمی به عملیات پرافتخار «وعده صادق» و بازتاب گسترده آن در سطح بین‌المللی، افتخارآفرینی این عملیات برای مسلمانان در منطقه و جهان اسلام و تقویت جایگاه منطقه‌ای و جهانی ایران پس از این عملیات بوده است.
به نظر می‌رسد دولت انگلستان همچون گذشته بار دیگر سرویس جهانی بی‌بی‌سی را اجیر کرده است تا یک کارزار سیاسی علیه منافع ایران در سطح بین‌المللی راه‌اندازی کند. تلاش برای تصویب قطعنامه‌ها علیه ایران در مجامع بین‌المللی یا وضع تحریم‌های جدید علیه ایران می‌تواند از جمله اهداف این کارزار باشد. در این راستا باید دستگاه دیپلماسی ایران بسیار فعال‌تر وارد عمل شود و خصوصاً در عرصه دیپلماسی فرهنگی و دیپلماسی رسانه‌ای این فضاحت بی‌بی‌سی و دولت انگلستان را در مجامع جهانی برملا کند.

۷ یکی از اهداف دیگر دولت‌های غربی از دنبال کردن چنین هجمه تبلیغاتی علیه ایران، تحت‌الشعاع قرار دادن جنایات رژیم صهیونیستی در غزه و نیز حملات وحشیانه پلیس در امریکا و اروپا به دانشجویان معترض در دانشگاه‌های این کشورهاست. البته حقیقت اینکه تمام حیثیت و ادعاهای فریبکارانه غرب در زمینه حقوق بشر، آزادی و دموکراسی - که معمولاً بهانه‌ای برای جنگ‌افروزی و کودتا و سرکوب ملت‌های مستقل بود - طی نسل‌کشی در غزه و نیز وقایع اخیر دانشگاه‌های امریکا و اروپا فروریخته و عریان بودن «پادشاهان لیبرال دموکراسی» بر همه مردم جهان، و خصوصاً بر جوانان و نخبگان خود این کشورها که سال‌ها در بند اسارت امپراطوری رسانه‌ای غرب نگاه داشته شده بودند، آشکار شده است. امروز دیگر همه فهمیده‌اند که آن نظام و حاکمیتی که بر کشورهای غربی مسلط است نه «لیبرال» است و نه «دموکراتیک».
این ذهن‌های بیدار و دل‌های پرشور و اراده‌های محکم را دیگر نمی‌توان با پروژه‌های جنگ روانی مبتنی بر جعلیات و ایران‌هراسی فریب داد. ماهیت پلید، اشغالگر و جنایتکار رژیم صهیونیستی اکنون برای همه آشکار شده و شعار نابودی این رژیم اکنون در دانشگاه‌های امریکایی به گوش می‌رسد. آنچه دولت‌های غربی و صهیونیست‌ها از آن بشدت وحشت کرده‌اند این است که حقانیت آن شعاری که جمهوری اسلامی ایران ۴۵ سال پای آن ایستاد اکنون در سراسر جهان درک شده است.
اکنون آشکار شده است که ایران ۴۵ سال پیشگام آزادی‌خواهانه‌ترین، عدالت‌طلبانه‌ترین، انسانی‌ترین و اخلاقی‌ترین شعار جهان یعنی «مرگ بر اسرائیل» بوده است. از این رو است که می‌خواهند به چهره تابناک ایران پنجه بکشند و البته که در این تلاش مذبوحانه هم به فضل الهی مفتضحانه شکست خواهند خورد.

[1] Diasporas and Diplomacy: Cosmopolitan contact zones at the BBC World Service
[2] Iranian Studies. Vol. 50 No. 2. pp 320-323
[3] Dabashi. H. «When the BBC did fake news'. Aljazeera website. 23 Nov 2018.
[4] Elwell-Sutton
[5] Deepa Parent
[6] Reporting the Middle East: The practice of news in the 21st century. 2017. IB Tauris. London.
[7] Blumenthal. M. «How an American anthropologist tied to US regime-change proxies became MSM's man in Nicaragua'. Mintpressnews. 26 Sep. 2018.

برش

- در طول تاریخ همکاری و هماهنگی نزدیکی میان وزارت امور خارجه، MI6 و سرویس جهانی بی‌بی‌سی برقرار بوده است.
- در مقطع نهضت ملی شدن صنعت نفت به بی‌بی‌سی فارسی ابلاغ شده بود که به محمد مصدق به عنوان فردی سازش‌ناپذیر که منافع ایران را به خطر انداخته و اقتصاد ایران را با بحران مواجه کرده، حمله کنند.
- بعد از ۷۰ سال هنوز برخی مدعیان دانش و روشنفکری همچنان همان خط تبلیغ بی‌بی‌سی فارسی علیه ملی شدن صنعت نفت را تکرار می‌کنند و آن را به صنعت هسته‌ای هم تعمیم می‌دهند.
- در گزارش اخیر سرویس جهانی بی‌بی‌سی علیه ایران یک نکته قابل توجه، اسامی تقریباً ناشناس نویسندگان گزارش بود. یکی از نویسندگان جوانی است که در سال‌های اخیر در بخش تحقیقات بی‌بی‌سی مشغول شده و دو نفر دیگر نام‌های جعلی یا مستعار هستند و هیچ سابقه روزنامه‌نگاری از آنها موجود نیست.

هیأت امنای بی‌بی‌سی به پیشنهاد دولت و با حکم ملکه یا پادشاه انگلستان منصوب می‌شوند. عملکرد بی‌بی‌سی در داخل این کشور بشدت تحت نظارت و کنترل نهادهای مختلف حاکمیت است و آن تصوری که از رعایت ضوابط حرفه‌ای و بی‌طرفی در اذهان وجود دارد عمدتاً به دلیل سازکارهای عملکرد این سازمان در داخل انگلستان است؛ وگرنه سرویس جهانی بی‌بی‌سی به کلی داستان دیگری دارد

در پاسخ به این سؤال که چرا بی‌بی‌سی این گزارش را در سرویس جهانی خود و نه صرفاً بخش فارسی منتشر کرد، باید گفت که هدف این پروژه سیاسی و امنیتی قطعاً در سطح بین‌المللی تعریف شده است و نه صرفاً فضای داخلی ایران. به نظر می‌رسد تمرکز بر تخریب سپاه پاسداران در این گزارش واکنش مستقیمی به عملیات پر افتخار «وعده صادق» و بازتاب گسترده آن در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است

بودجه سرویس جهانی بی‌بی‌سی تا چند سال قبل مستقیماً توسط وزارت امور خارجه انگلستان تأمین و پرداخت می‌شد. تاریخ سرویس جهانی بی‌بی‌سی مصادیق دخالت مستقیم صریح دولت انگلستان در تعیین خط مشی‌ها و حتی محورهای تبلیغی و خبری در زمان‌ها و موقعیت‌های خاص سیاسی و دیپلماتیک را آشکار می‌کند